

گفت‌و‌گو با یکی از

کارگران اعتصابی عسلویه



@radioprocess
www.processgroup.org

گفت‌وگو با یکی از کارگران اعتصابی عسلویه

۱. اعتصاب سراسری کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در این دوره فراگیری گسترده‌ای پیدا کرده است. در ابتدای برای آشنایی دقیق‌تر مخاطبان، لطفاً به طور خلاصه صنایع و بخش‌های صنعتی‌ای که به اعتصاب پیوسته‌اند و همچنین جغرافیای این صنایع را به طور مختصر معرفی کنید؟

اعتصابات ۳۰ خرداد به صورت نطفه‌ی کوچک از منطقه پارس جنوبی (عسلویه، کنگان و پتروشیمی‌ها در این حوزه جغرافیایی) توسط نیروهای اجرایی (فیتز، جوشکار، مونتاز کار، داربست بند، کمکی، تک زن) شروع شد و اصلاً هم این گمان نمی‌رفت که به این شکل گسترده بشود و در طی یک هفته از اعتصابات، ۱۰۰ درصد نیروهای اجرایی منطقه پارس جنوبی به این اعتصابات پیوستند (به واسطه‌ی اطلاع‌رسانی گسترده‌ای که در فضای مجازی و گروه‌های واتساپی و تلگرامی و حتی اینستاگرام شده بود) و ابزار کار خودشان رو تحویل دادن و رفتن سمت خونه‌هاشون (سوپروایزر، فورمن، اکیپ رادیو گرافی، سَند پلاست، آرماتور بند،

قالب بند، انباردار، نقشه‌بردار، راننده‌های سبک و سنگین، ریگر، نصاب، تست‌من، استراچکر کار، برشکار، پانچ‌من، اسپول‌من و ...)

این اعتصابات پس از آن به پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌های سراسر کشور کشیده شد و نیروهای اجرایی تحت قرارداد پیمانکاران و حتی شرکت‌ها هم به اعتصاب پیوستند.

جغرافیای اعتصابات از عسلویه، کنگان به مناطق جنوبی‌تر مثل پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های قش‌م، لاوان، سیری، جاسک، چابهار، بندرعباس و حتی مناطق میانی و شمالی کشور نظیر پتروشیمی و پالایشگاه‌های آبادان، ماهشهر، بهبهان، گچساران، لامرد، اصفهان، تهران، ارومیه، ایلام و یزد و ... کشیده شد.

ما قبلاً موقع اعتصاب توی محل کار اعتصاب می‌کردیم یا اگه چند روز طول می‌کشید می‌رفتیم خوابگاه. ولی اعتصاب امسال با توجه به تجربه‌های تلخ قبلی همگی نیروها از کار دست کشیدن و ابزار تولید رو تحویل دادن و رفتن خونه هاشون و به کل روند تولید رو متوقف کردن.

نکته بسیار مهم اینکه تفاوت عمده‌ی این اعتصابات با تمام اعتصابات قبل از این، حضور گسترده نیروهای دفتری (سرپرستان اجرا، مدیر پروژه‌ها، دفتر فنی، کنترل کیفیت (QC)، مکانیکال، کنترل پروژه، اکیپ نقشه‌برداران، سوپروایزر اجرا و پکیج) بود که هم باعث تعجب شرکت‌ها و پیمانکاران وابسته به آن‌ها شد و هم قوت قلبی بود برای تمامی نیروهای اجرایی که محکم‌تر به اعتصابات ادامه بدهند. چه بسا یکی از دلایل گسترش شدید اعتصابات به سراسر کشور همین حضور نیروهای دفتری و سرپرست‌ها بود.

۲. اگر ممکن است انواع قراردادهای کاری موجود در این صنایع به طور مختصر برای مخاطبان ما شرح دهید. حدوداً چه تعداد نیروی کار (با چه نوع قراردادی) در این بخش‌های مختلف مشغول کار هستند؟

درباره‌ی قراردادهای کاری، ما در پارس جنوبی برای نیروهای اجرایی و دفتری پیمانکاران و شرکت‌های دسته دوم، دو نوع قرارداد داریم: یک قرارداد مالی بدون درج حقوق ماهیانه که با پیمانکار یا شرکت می‌بندیم و یک قرارداد ۴ برگه‌ای با کارفرمای اون پیمانکار که عموماً سوالات امنیتی و یک بخشی هم راجع به سلامت جسمی و روحی کارگران است می‌بندیم.

نکته مهم اول اینکه تا قبل از سال ۹۵ تمامی شرکت‌ها موظف بودند که یک پزشک در سایت داشته باشند، هم برای ایمنی و حوادث احتمالی و هم اینکه نیروهای اجرایی و دفتری که قرار بود استخدام بشوند پیش دکتر سلامت جسم و روحشون تایید بشه و بعد روند استخدامشون طی بشه.

ولی متأسفانه بعد از سال ۹۵ نیروهایی که قرار است در پارس جنوبی کار کنند باید طب کار هم بگیرند. طب کار هم شامل کلی آزمایش و تست‌های قلب، گوش، بینایی، حرکتی و ... است.

نکته مهم بعدی برگه گواهی سوء پیشینه است. تمامی نیروها اجباراً موظف هستند که با مراجعه به مراکز قضایی مراحل اداری گرفتن گواهی سوء پیشینه را انجام بدهند که اگر نیرویی مشکل کیفری یا امنیتی، سیاسی داشت به استخدام شرکت نشود و یا به شرط کلی ضمانت و تعهد شروع به کار کند. با توجه به واگذاری بیشتر نهادها در جمهوری اسلامی به بخش خصوصی همه‌ی هزینه‌های گرفتن سوء پیشینه و طب کار که چیزی حدود یک میلیون تومان می‌شود هم بر دوش خود کارگران هست.

راجع به تعداد نیروهای تحت قرارداد در منطقه ی پارس جنوبی ما عدد ثابتی نداریم چون مرتب بر تعداد شرکت‌ها و پیمانکاران اضافه میشه و کارگرانی هم تحت قرارداد با پیمانکار مربوطه شروع به فعالیت می‌کنند. ولی طبق مشاهدات میدانی و تجربه سال‌ها فعالیت در این منطقه می‌تونم بگم بیش از بیست هزار نفر در پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، فاز‌ها، تلمبه‌خانه‌ها در حال فعالیت هستند. فقط در پتروشیمی بوشهر و فاز ۱۳ کنگان بیش از ۱۴ هزار نیروی اجرایی و دفتری مشغول به کار هستند.

۳. بیشتر در خبرها آمده بود که کارگران رسمی اعلام کرده‌اند در صورت برآورده نشدن خواسته‌هایشان از روز نهم تیرماه وارد اعتصاب خواهند شد. به نظر می‌رسد جریانات مختلفی در بین کارگران رسمی مواضع مختلفی دارند. برخی این اعتصابات را به تحریک جناحین حکومتی نسبت می‌دهند و مثلا کانال تلگرامی «نفت‌آوران» با انتشار مطالبی مطالبی اعتصاب کارگران قراردادی را مورد انتقاد قرار دادند. نظر شما درباره‌ی این مواضع چیست؟

حاکمیت جمهوری اسلامی در این ۴ دهه با دوگانه‌سازی در تمامی بخش‌ها اتحاد رو از همگی سلب کرده است. این دوگانه‌سازی در محیط‌های کارگری به وضوح قابل لمس است و حتی در همین اعتصابات هم خودش را نشان داد. نیروهای رسمی و غیر رسمی، نیروهای شرکتی و پیمانکاری، نیروهای پیمانکاری با قرارداد و نیروهای پیمانکاری بدون قرارداد، نیروهای دفتری و اجرایی میدان‌های گازی، نیروهای اجرایی و بیل و کلنگی و ...

نیروهای رسمی شرکت نفت از مزایا و حقوق بالاتری نسبت به نیروهای پیمانی برخوردار هستند، برای همین من جایی ندیدم و نخوندم که نیروهای رسمی شرکت نفت که از بالاترین

حقوق‌ها و مزایا برخوردار هستند اعلام اعتصاب کنند.

حتی نیروهای پیمانی شرکت نفت (۱۴-۱۴) هم که در تحت شدیدترین نوع استثمار قرار دارند جزء در موارد خیلی خیلی خاص اعلام اعتصاب کردند که عمدتاً با همان دوگانه‌سازی یا بی‌خیال اعتصاب شدند یا در میدان اعتصاب تنها ماندند و در خطر اخراج از کار قرار گرفتند. نیروهای رسمی شرکت نفت و گاز به دلیل همان دوگانه‌سازی‌ها و خودبرتربینی (حقوق و مزایای بالاتر، سرویس، خوابگاه، غذای با کیفیت تر و ..) نسبت به نیروهای پیمانی نفت و گاز این اعتصابات را به رسمیت نمی‌شناسند و حمایتی هم انجام ندادند.

۴. به نظر می‌رسد در مدت کوتاهی هماهنگی موثری برای شکل‌دهی یک اعتصاب گسترده میان کارگران قراردادی ایجاد شده است. کارگران جسارت بالایی برای انتشار فیلم‌هایی از اعتراضات خود نشان می‌دهند، در حالی که پیش از این معمولاً چنین به نظر می‌رسید که ترس از دست دادن موقعیت شغلی، کارگران را دچار نوعی محافظه‌کاری کرده باشد. با توجه به اینکه حتی در کشورهایی که کارگران امکان ایجاد تشکل‌های آزاد صنفی و سیاسی خود را دارند هم سازماندهی فراگیر اعتصابات کارگری کارچندان ساده‌ای نیست، فراگیری اعتصاب کارگران نفت و گاز بسیار چشمگیر بود. در مورد نحوه سازماندهی این دور از اعتصابات در جنوب ایران چه نظری دارید؟ (از گروه‌های مشورتی و بحث و گفتگو در محل کار، کمیته‌های علنی یا مخفی کارگری و یا استفاده از شبکه‌های ارتباطی همچون واتساپ و تلگرام و غیره) آیا می‌توان چگونگی و نحوه سازماندهی این اعتصاب را پشتوانه‌ای برای حرکت‌های موثرتر نیروی کار در ایران دانست؟ آیا عواملی استثنایی یا اتفاقی

یا دورانی خاصی هم ممکن است موجب موفقیت فراگیری اعتصاب بوده باشد؟

این اعتصابات همیشه بوده منتهی در ابعاد بسیار بسیار کوچک‌تر. حالا چرا در این حد همه‌گیر شده و چرا کارگران دیگه ترسی ندارند از دیده شدنشون؟

قبل از ورود بخش خصوصی در دهه هشتاد به میادین پارس جنوبی اعتصابی به این شکل و گستردگی نداشتیم. اوایل دهه نود با ورود بخش خصوصی و سپردن خطوط گاز در فازها و پتروشیمی‌ها به دست شرکت‌ها و پیمانکاران و عقب افتادن چند ماهه حقوق کارگران یواش یواش موج اعتصابات هم شروع شد، البته همان هم در ابعاد خیلی محدود. اینطور که تعداد محدودی از نیروها (چون اکثر پیمانکاران نیروهایشان را قوم و خویش و دوستان و همکاران سابق خودشان تشکیل می‌دادند و برای اعتصابات از همین حربه استفاده می‌کردند و اعتصاب را می‌شکستند) برای حقوق‌های عقب‌افتاده قبل از عید چند روزی اعتصاب می‌کردند. سر دسته‌های اعتصابیون اکثرا هم بعدش یا اخراج می‌شدند یا در بلک لیست منطقه‌ی پارس جنوبی قرار می‌گرفتند.

مهم‌ترین اعتصاب هم در سال ۹۵ بود که بیش از ۵۰۰ نفر از نیروهای اجرایی فاز ۲۰-۲۱ با بستن درب ورودی و خروجی فاز اعتصابات رو وارد فاز جدیدی کردند که بازتاب گسترده‌ای در شبکه‌های خارج از کشور هم داشت و باعث شد همه نیروهای اجرایی را تسویه، اخراج و بلک لیست کنند.

اعتصاب سال پیش نیروهای اجرایی (فیتزر، جوشکار، مونتاژ کار، تک‌زن، کمکی) پارس جنوبی بعد از تورم افسار گسیخته و بالا رفتن قیمت وحشتناک دلار و هزینه مسکن و خوراک و

پوشاک نسبت به پایین بودن حقوق ها هم به کل معادلات را عوض کرد.

اعتصابات سراسری ۱۴۰۰

تفاوت بزرگ اعتصاب امسال مشارکت بسیار گسترده نیروهای دفتری (سرپرست اجرا، سرپرست کارگاه، سوپروایزر ها دفتر فنی، کنترل کیفیت (QC)، نقشه بردار، مکانیکال، متریکال، بچه های گروه رادیو گرافی) با نیروهای اجرایی بود. مشارکت گسترده نیروهای دفتری قوت قلب بیشتری به نیروهای اجرایی داد که اعتصاب را تا رسیدن به خواسته‌ها دنبال کنند و نکته مهم این که امسال نیروهای اجرایی صددرصد در این اعتصابات شرکت کردند (فیتز، جوشکار، فورمن، سوپروایزر، برشکار، راننده جرثقیل، ریگر، قالب‌بند، آرماتور بند، سَند پلاست کار، مونتاژ کار، داربست‌بند، نصاب، برق کار، نگهبان، انبار دار). یعنی میزان مشارکت اعتصابیون از ۲ هزار نفر در سال پیش به بیش از ۳۰ هزار نفر رسیده است.

مهمترین درسی که از قیام های دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و در ادامه آن اعتصاب کارگران هفت تپه، هپکو اراک، شرکت فولاد اهواز و اینک اعتصابات سراسری مناطق گازی پارس جنوبی و پالایشگاه و پتروشیمی های سراسر کشور می‌شود گرفت این است که وقتی فضا، فضای قهرمانی و انقلابی باشد، دلاوران، قهرمانان و انقلابیون هم متولد می‌شوند. پس نگران این نباشیم که الان مردم به کِرختی و بی عملی افتاده‌اند. تمام این مردمی که به گمان کوتاه‌فکران، به زبونی و بدبختی گرفتارند، هر کدام در این فضا قرار بگیرند گُردِ آزادی‌ستان می‌شوند.

یکی دیگر از دلایل مهم این شجاعت و دلاوری به اعتقاد من در اعتصابات هم پوست‌اندازی نیروهای اجرایی است که اکثرا متولدین دهه‌های هفتاد و هشتاد هستند که دیگر ساخت

استبدادی خانواده را هم تحمل نمی‌کنند و فوری طغیان می‌کنند، چه برسه به محیط سراسر استثمار پارس جنوبی. این جسارت و دلاوری را هم از قیام دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ گرفتن و فرزندان خَلَف همان جنبش‌ها هستند. اولین گروه‌هایی که تسویه کردند و محیط کار را به سُخره گرفتند، کمکی‌های متولد دهه‌های هفتاد و هشتاد بودند.

اینکه این اعتصابات بتواند در آینده کمکی به نیروی کار ایران بکند را نمی‌توان نظر قطعی داد، چرا که دو تفاوت عمده اعتصاب نیروهای پیمانی در منطقه‌ی منطقه پارس جنوبی و پتروشیمی‌های سراسر کشور با دیگر اعتصابات کارگری وجود دارد:

(۱) گستردگی نیروهای اجرایی در میدان‌های گازی پارس جنوبی و پتروشیمی‌ها بیش از سی هزار نفر هستند (البته باید اشتراکات فرهنگی، اجتماعی کارگران را هم فراموش نکنیم).

(۲) شرکت‌ها و پیمانکاران نمی‌توانند از بیرون از مجموعه نیروی اجرایی (فیتز، جوشکار، مونتاژکار، داربست‌بند) استخدام کنند چرا که برای جوشکار یا فیتز شدن به حداقل ۶ ماه تا یکسال تمرین و تمرین نیاز است تا بتواند تست‌های قبولی جوشکاری و فیتزی را با موفقیت انجام بدهد و شروع به کار کند، مشاغلی کاملاً تخصصی که نمی‌شود نیروی صفر را به کار گرفت به جای آن‌ها.

عوامل خاص هم قطعاً تاثیر زیادی دارد، مثلاً قیمت دلار و افزایش نجومی قیمت مسکن که به هیچ عنوان با حقوق کارگران هم‌خوانی ندارد هم تاثیر زیادی دارد که کارگران رو به عمل اجتماعی وادار میکند.

یکی دیگر از عوامل گستردگی این اعتصابات مخصوصاً در عسلویه و کنگان، کشته شدن ۵ کارگر فنی لُر زبان در چند نقطه‌ی عسلویه به واسطه‌ی نا ایمن بودن محیط کار در روزهای

قبل از اعتصاب بود که موج گسترده‌ای را با خودش همراه کرد.

سازماندهی این اعتصابات هم در بخشی مربوط به گروه‌های وات‌سپی، تلگرامی و البته اینستاگرامی بود.

مثلا بعد از روز پنجم مرداد ماه اسامی کسانی که در اعتصابات بنا به هر دلیلی شرکت نکرده بودند را در گروه‌های وات‌سپی و اینستاگرامی پخش کردند و باعث شدند این نیروها هم از ترس بی‌آبرو شدن و فحش خوردن فوری به اعتصاب بپیوندند.

بخش دیگر از این سازماندهی هم خود به خودی و البته آگاهانه بود که بخشی از نیروها (اعتصابیون سال گذشته) بدون نیاز به فراخوان و کمپین، تسویه حساب کردند و به خانه‌هایشان برگشتند. موتور محرکه‌ی این جنبش هم همین بخش آگاهانه‌ی اعتصابات بود که با پیوستن نیروهای دفتری این موتور محرکه پر قدرت تر و با انرژی تر گسترده شد و به همه جا سرایت کرد.

۵. آیا این دور از اعتصابات کارگری را دارای ویژگی یا دستاوری خاص در سطح جنبش کارگری می‌دانید؟

بدون شک . حتی اگر این اعتصابات به شکست هم منجر بشود باز هم این کارگران هستند که درس مقاومت و همبستگی را یاد میگیرند و به اعتقاد من پیروز این اعتصابات هستند چرا که تاریخ این رو ثابت کرده.

۶. به عنوان سوال آخر، چشم انداز و جمع بندی شما از این دور اعتصابات کارگران

چیست؟

چشم انداز بسیار بسیار روشنی وجود داره برای کارگران صنعتی شاغل در میدین گازی، چرا که قدرت به واسطه گستردگی و تخصصی بودن کارهای اجرایی در دست ما کارگران است. سال گذشته با اینکه تعداد اعتصابیون زیر دو هزار نفر بود باز هم به واسطه همان تخصصی بودن مشاغل تونستن پیمانکاران را مجبور به افزایش ۵۰ تا ۸۰٪ دستمزد کردند. برای همین تصمیم و خرد جمعی بر این شد که هیچ گونه اعتراض و تجمع خیابانی در هیچ نقطه‌ای از کشور نداشته باشیم که بعد آنگ اغتشاش‌گر بهمون بچسبونن و بدنه‌ی جامعه را نسبت به کارگران بدبین کنند. اینجور توپ در زمین حاکمیت است و اونا باید حالا واکنش نشان بدهند. تصمیم نهایی این شد که بدون سر و صدا وسایل و ابزار تولید را تحویل بدهیم و روند تولید گاز را متوقف کنیم و بریم بشینیم تو خونه‌هامون تا خوراک پتروشیمی و پالایشگاه‌ها همینجور دیو کرده بمونه روی دست حاکمیت و اونا مجبور بشوند از مواضع خودشون کوتاه بیابند و خواسته‌های ما رو قبول کنند.

۷. اگر نکاتی دارید که در سوالات طرح نشده لطفا اضافه کنید؟

بالای ۹۰٪ از نیروهای اجرایی و دفتری مناطق پارس جنوبی (عسلویه، کنگان، بوشهر، بیدخون و ...) پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌های سراسر کشور، لرهای بختیاری ساکن شهرستان‌های ایذه، مسجدسلیمان، استان چهارمحال بختیاری، بختیاری‌های ساکن استان اصفهان و یا لرهای یاسوج، گچساران، دهدشت، خرم آباد یا همدان هستند. این کارگران اکثرا با پیمانکاران کار

می‌کنند، یعنی ۲۴ روز کار و ۶ روز مرخصی. هنگام مرخصی هم بخاطر دوری مسافت، دو روز از کل مرخصی در راه هستند و در واقع فقط ۴ روز را در کنار خانواده‌های خودشان هستند. همین دور بودن از محیط خانواده آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیری را به روح و تن کارگران و همچنین خانواده‌هاشون وارد کرده است. یکی از خواسته‌های اعتصابیون ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی است. اکثریت پیمانکاران عیدی و سنوات به نیروهایشان نمی‌دهند و حقوق‌ها با سه‌ماه تاخیر پرداخت می‌شود. یعنی الان که ماه اول تابستان هستیم، پیمانکاران حقوق فروردین را پرداخت کرده‌اند (البته بعضی‌ها برج دو را هم پرداخت کرده‌اند).

یکی دیگر از مشکلات حقوق‌های پایین نسبت به نرخ تورم و فشار وحشتناک کاری در این کوره‌ی آدم‌سوزی است، یعنی نیروی اجرایی در کشورهای همسایه مثل عراق و عمان و قطر ماهی ۲۵ تا ۴۵ میلیون دستمزد پرداخت می‌کنند ولی همان کارگر در ایران با بازدهی به مراتب بیشتر، در محیطی به شدت ناایمن، به طور میانگین از ماهی ۶ تا ۱۴ میلیون تومان دستمزد دریافت می‌کند.

یک کارگر فیتتر با کمکی و جوشکار و کمکی روزانه میانگین باید ۸۰ اینچ فیت آپ و جوش بدهند که همین ۸۰ اینچ سودش برای پیمانکار می‌شود تقریباً ۱۲ میلیون و از این پول یک میلیون سه‌م فیتتر و جوشکار و کمکی‌هاشون می‌شود و یک میلیونش هم صرف بیمه و غذا و بقیه‌ی موارد ضروری می‌شود. یعنی دو نیروی اجرایی در کمترین حالت روزی ده میلیون برای پیمانکار کار می‌کنند.

یکی دیگر از خواسته‌ها تعدیل زمان کار است در فصول گرم سال. اینجا کارگران باید ۵ صبح از خواب بیدار بشوند و صبحانه بخورند (شامل یک دانه کره مربا کوچک که دو لقمه هم نمی‌شه برای کارگری که باید تا ۱۲ ظهر کار یدی طاقت‌فرسا بکنه و کارگر این حق را هم

ندارند که همان صبحونه را هم سر کار ببرند، چون اگر سرپرست‌ها ببینند یا اخراج می‌کنند یا ۵ ساعت کسر کار میزنند. به قول کارگرها اگر خر و گاو رو هم ۵ صبح چوب بزنی کاه و یونجه نمی‌خوره!) و پنج و نیم سوار سرویس بشوند تا ساعت ۶ در محل کارگاه حاضر باشند. از ساعت ۶ صبح تا ۱۲ سر کار هستند، بعدش دوباره سوار سرویس می‌شوند و وقتی به خوابگاه

می‌رسند هم تا دوش بگیرند و لباسی بشورن و ناهار بخورن ساعت میشه یک و نیم تا دو

فقط نیم ساعت تا یک ساعت وقت استراحت دارند. دوباره ساعت دو و نیم باید سوار سرویس بشوند که ساعت ۳ حضور بزنند در کارگاه. از ساعت ۳ تا هفت و نیم هم باید سر کار باشند و دوباره همین چرخه برده‌وار تکرار می‌شود. یعنی کارگران شب‌ها ساعت هشت و نیم تا ۹ فارغ می‌شوند از حمام کردن و لباس شستن و شام خوردن. فقط و فقط یک ساعت زمان دارند که فارغ از رنج سرمایه در اختیار خودشان باشند.

یکی دیگه از خواسته‌ها حق بیمه‌ست. الان نیروی اجرایی و دفتری داره بیمه‌ی کارگری ساده براش واریز می‌شه که سختی کار و حقوق پایه بسیار پایینی براش رد می‌شه.

مورد دیگه وضعیت فاجعه‌بار غذا و سرویس رفت و برگشت است که در نازل‌ترین حالت ممکن است، جوری که همه‌ی نیروها دچار بیماری‌های داخلی، معده درد، دندان درد و ریزش موی شدید هستند. مثلاً توزیع میوه در محل کار آرزو شده برای کارگران. شما تصور کنید در این گرمای وحشتناک یک نیروی اجرایی که ۱۰ ساعت در ظل آفتاب کار کرده باید با سرویسی به خوابگاه برود که حداقل بیست سال از عمرش گذشته و بدون کولر درست و حسابی باید گرما را تا خوابگاه تحمل کند و شب هم در خوابگاه شام‌اش یا لوبیاست یا عدس و یا همبرگر، گوجه و بادمجون و ...

حالا تمام این شرایط غیر انسانی رو داشته باشین، ما صد پله وضعیتمون از کارگرای بیل و کلنگیه روزمزد بلوچستانی بهتره. اون بیچاره‌ها که اصلا هیچ حق و حقوقی ندارند. نه بیمه دارند، نه سرویس رفت و برگشت، نه خوابگاه و نه هیچ امکانات دیگری. هم مورد ستم سیستماتیک حاکمیت (کارفرما و پیمانکاران) هستند و هم مورد ستم قومیتی و نژادی توسط نیروهای دیگر. فقط یک حقوق روزمزد ۲۷۰ هزار تومنی بهشان پرداخت می‌شود که باید با همین پول در گروه‌های چند نفره خانه‌ای اجاره کنند و سرویس بگیرند و غذا هم درست کنند. برده‌های دوران برده‌داری هم وضعیتشون از کارگرای روزمزد بلوچستانی شاغل در مناطق گازی پارس جنوبی بهتر بود.

گفت‌وگو با یکی از

کارگران اعتصابی عسلویه



@radioprocess

www.processgroup.org